

Theories on the Necessity of Observing Rules of International Humanitarian Law by Non-State Armed Groups in Light of Non-International Armed Conflicts in Yemen

Seyed Ghasem Zamani * 

Professor, Public International Law,
Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Maryam Hossein Abadi 

Ph.D, Public International Law,
Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

1. Introduction

The presence of Non-State Armed Groups (NSAGs) in conflicts with each other or against states has increasingly posed a threat to international peace and security in recent decades. In this respect, it is essential to examine the extent to which these groups adhere to the principles of international humanitarian law (IHL)—a branch of international law that regulates both international and non-international armed conflicts. Equally important is understanding the theoretical foundations that underscore the necessity of NSAGs'

* Corresponding Author: zamani@atu.ac.ir

How to Cite: Zamani, Gh & Hossein Abadi, M., "Theories on the Necessity of Observing Rules of International Humanitarian Law by Non-State Armed Groups in Light of Non-International Armed Conflicts in Yemen", *The Quarterly Journal of Public Law Research*, Vol. 26, No. 84, (2024), 1-44. Doi: [10.22054/QJPL.2024.70597.2830](https://doi.org/10.22054/QJPL.2024.70597.2830).

compliance with IHL, as their adherence or non-adherence to these primary rules impacts the application of secondary rules, which serve as guarantees for breaches of primary rules. For a long time after the United Nations was established on the ruins of the League of Nations, which had failed to prevent two world wars, international armed conflicts between states were viewed as primary threats to global peace and security. However, in recent decades, conflicts involving NSAGs—sometimes with substantial military capabilities—against each other or against states have emerged as significant threats to international peace and security. The increasing number of non-state armed conflicts, where NSAGs hold considerable power as parties to the conflict, presents new challenges in the field of international law. It is essential to address these issues, as legal frameworks must evolve to respond to contemporary societal developments and issues. A key question is whether IHL rules are binding on NSAGs, and if so, what theoretical foundations justify such adherence and what impact compliance (or lack thereof) has on these groups in armed conflicts. The present study aimed to address these questions by drawing on library and online sources, along with relevant international documents. The analysis focused on the NSAGs involved in non-international armed conflicts in Yemen.

1. Literature Review

This research discussed the theoretical foundations of NSAGs' obligations under IHL and the necessity and implications of recognizing NSAGs' adherence to IHL, focusing on the non-international armed conflict in Yemen. Several studies have dealt with these issues. For example, Ahlborn (2011) explored the rules governing international organizations and the law of international responsibility. Similarly, Clapham (2010) delved into the rights and responsibilities of non-state armed actors, examining the legal complexities and issues. Fazaeli (2016) focused on the context of Yemen, analyzing military intervention there through the lens of

international law. Karamzadeh and Moradian (2015) also approached the topic by investigating the principles guiding non-state groups' compliance with humanitarian laws. Their research contrasts Islamic and international humanitarian perspectives, using Iraq and Syria as case studies. Finally, Qureshi (2019) examined the applicability of international humanitarian law to non-state actors.

2. Materials and Methods

The present study used a descriptive–analytical approach and international sources and doctrines to clarify theories regarding the adherence of NSAGs to IHL and its impact on secondary rules, with a particular focus on the non-international armed conflict in Yemen.

3. Results and Discussion


The analysis of normative rules reveal that NSAGs are not considered as unknown entities in the field of international law. Instead, legal issues addressing these groups are becoming more regularized due to their diversity, importance, and the wide-ranging roles they play across various dimensions within the international community. In this context, it can be argued that NSAGs involved in non-international armed conflicts possess, to some extent, international legal personality and are subject to specific obligations and responsibilities under international law. It seems that international law is not yet fully developed, but it possesses a dynamic and flexible nature. This adaptability allows for a focus on advancing progressive theories within international law. Therefore, clarifying perspectives on the necessity for NSAGs to observe humanitarian rules—and the impact of this adherence on secondary rules—plays a crucial role in enhancing the theoretical understanding of international law.


4. Conclusion

Among the various theories in this field, the theory advocating for the adherence of NSAGs to international law appears the most realistic. This is largely due to its emphasis on the organizational structure of these groups and control over territory. Applying this theory may also pave the way for addressing the issue of international responsibility of NSAGs in non-international armed conflicts.

Keywords: Non-state Armed Groups, International Obligations, Secondary Rules, Non-International Armed Conflict, Yemen

نظریه‌های لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی در پرتو مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی یمن

سید قاسم زمانی*  استاد گروه حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مریم حسین آبادی  دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

حضور گروه‌های مسلح غیردولتی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مبدل به مسئله تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی در چند دهه اخیر شده است. در این راستا اگرچه به طور گسترده پذیرفته شده است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه، گروه‌های مسلح غیردولتی را ملزم می‌کند، اما مبنای حقوقی چنین اثر الزام‌آوری نامشخص است. از این رو بررسی چالش التزام موجودیت‌های مذکور به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به عنوان یک شاخه از حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه و ضرورت آن از رهگذر تدقیق در دیدگاه‌های نظری مطرحه در این زمینه از اهمیت وافری برخوردار است؛ چرا که اثر التزام به مقررات این شاخه از حقوق بین‌الملل به عنوان قواعد اولیه، به نوبه خود در تضمین متابعت گروه‌های مذکور از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و امکان اعمال قواعد ثانویه که از جنس ضمانت اجرا هستند منعکس می‌شود. در این مقاله با تکیه بر روش قیاسی نظریه‌های راجع به التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از رهگذر تدقیق در منابع حقوقی بین‌المللی موجود در این زمینه و اثر آن بر امکان اعمال قواعد ثانویه با تاکید بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از جمله به این دستاورد اشاره نمود که صرف‌نظر از همه مشابهت‌ها و تفاوت‌های نظریه‌های بررسی شده در این خصوص؛ به نظر می‌رسد نظریه پایبندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی، التزام گروه‌های مذکور را بهتر تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی: گروه‌های مسلح غیردولتی، تعهدات بین‌المللی، قواعد ثانویه، مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی، یمن.

مقدمه

اکنون چندین دهه است که رویارویی گروه‌های مسلح غیردولتی^۱ بعضاً با توان بسیار بالای نظامی در مقابل یکدیگر یا علیه دولت‌ها^۲ مبدل به یکی از موارد تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد در حال حاضر تعداد رو به افزایش مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی با ویژگی منحصر به فرد آنها که عبارت است از قدرت و توان قابل ملاحظه گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان یک طرف مخاصمه، مسئله‌ای است که در قلمرو حقوق بین‌الملل می‌بایست بدان پرداخته شود تا از این طریق تا حد امکان زوایای خاکستری آن تبیین گردد، چراکه اصولاً قواعد حقوقی می‌بایست دربرگیرنده

۱. انجمن حقوق بین‌الملل در گزارش خود در سال ۲۰۱۶ تعریف کاربردی از گروه‌های مسلح غیردولتی مبتنی بر سه عنصر به عمل آورده است. بدین ترتیب که:

الف- اولاً گروه‌های مسلح غیردولتی «سازمان‌های متشکل از دولت‌ها یا سازمان‌هایی که توسط گروهی از دولت‌ها، اداره یا کنترل یا کنترل می‌شوند» نیستند.

ب- ثانیاً گروه‌های مسلح غیردولت بازیگرانی هستند که در واقع «اقداماتی در عرصه بین‌المللی انجام می‌دهند که تأثیرات واقعی یا بالقوه بر حقوق بین‌الملل دارد».

پ- ثالثاً گروه‌های مسلح غیر دولت نهادهای قانونی شناخته شده و سازمان یافته هستند. به رسمیت شناختن حقوقی می‌تواند در قوانین ملی یا بین‌المللی صورت گیرد. این دسته‌بندی شامل افراد، نهادهای سازمان یافته غیرقانونی و غیرمشروع نظیر مافیا و نیز گروه‌های غیرقانونی و غیر مشروع نظیر گروه القاعده که به هیچ وجه به رسمیت شناخته نشده‌اند، نمی‌شود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Jean d'Aspremont, et al., "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)", (2016), at 5-7, doi 10. 13140/ RG. 2.2. 31590. 75844.

۲. حسب تعریف ارائه شده در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و نیز پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مخاصماتی هستند که برخلاف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی میان دولت‌ها صورت نمی‌گیرند، بلکه چنین مخاصماتی در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیردولتی مخالف و یا میان خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف رخ می‌دهند. گروه‌های مسلح غیردولتی می‌بایست از سطح مشخصی از سازمان یافتگی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از وجود فرمانده مسئول بر بخشی از قلمرو ارضی کنترل داشته باشند تا آنان را قادر به اجرای مفاد پروتکل مذکور نماید. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

آرامش شهبازی و پویا برلیان، «مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه غیربین‌المللی: تأملی در بحران یمن»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۴۲، (۱۳۹۷)، صص ۳-۴.

پاسخ به تحولات و مسائل روز جامعه تحت سیطره خود باشند. در این میان یکی از موضوعات بسیار مهم در خصوص گروه‌های مسلح غیردولتی که در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجال مطرح شدن می‌یابد آن است که نظریه حاکم بر التزام گروه‌های مسلح غیردولتی در مخاصمات مسلحانه چیست؟

بررسی و پرداختن به پرسش مطرح شده به نوبه خود نقش حائز اهمیتی در تبیین نظام احتمالی مسئولیتی گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه ایفا می‌کند که پرداختن به آن با توجه به افزایش روزافزون نقش گروه‌های مسلح غیردولتی در قلمرو حقوق بین‌الملل از اهمیت وافری برخوردار است. در راستای پرداختن به مسائل فوق در بخش نخست مقاله به تبیین مبانی نظری علل پایداری گروه‌های مسلح غیردولتی به تعهدات بین‌المللی بشردوستانه پرداخته می‌شود. در بخش دوم مقاله پیش‌رو ضرورت و ثمره ملتزم تلقی کردن گروه‌های مذکور به تعهدات بین‌المللی بشردوستانه مورد بررسی واقع می‌شود و در بخش سوم وضعیت یمن در پرتو مباحث فوق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. تبیین مبانی نظری علل پایداری گروه‌های مسلح غیردولتی به تعهدات بین‌المللی بشردوستانه

با نگاهی به بخش معاهده‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، روشن می‌شود که در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و نیز پروتکل الحاقی شماره دو به آنها، تعهداتی برای گروه‌های مسلح غیردولت به‌عنوان دست‌کم یک طرف درگیری در جریان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در نظر گرفته شده است.^۱ از سوی دیگر مطالعات صورت گرفته از جانب کمیته مطالعات عرفی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با محوریت شناسایی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سال ۲۰۰۵، مؤید این یافته است که

1. E. Heffes, "The Establishment of Courts by Organized Non-State Armed Groups in Light of the Principle of Equality of Belligerents", 18th Yearbook of International Humanitarian Law, (2015), at 3, Available at: <https://www.academia.edu/35137645/Generating_Respect_for_International_Humanitarian_Law_The_Establishment_of_Courts_by_Organized_Non_State_Armed_Groups_in_Light_of_the_s_Principle_of_Equality_of_Belligerents_Yearbook_of_International_Humanitarian_Law_18_2015_2016>, Last visited March 5, 2022.

برخلاف بخش معاهده‌ای در قلمرو عرفی این شاخه از حقوق بین‌الملل، اکثر قواعد و مقررات شامل هر دو نوع شناخته شده مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌الملل می‌گردد و در نتیجه تعهدات گروه‌های مسلح غیردولتی محدود به قواعد مندرج در معاهدات نام برده شده نمی‌شود.^۱ در مقدمه نوشتار مطالعاتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در این باب چنین بیان شده است که: «... در این تحقیق شواهدی ارائه گردیده دال بر آن که بسیاری از قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه نسبت به هر دو حوزه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی اعمال می‌گردند و اینکه رویه دولت‌ها تا چه حد از حقوق معاهدات موجود فراتر رفته و قواعد قابل اجرا نسبت به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را بسط داده است».^۲

با روشن شدن قلمرو تعهدات بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نوبت به پرداختن به مبانی نظری پابندی موجودیت‌های مذکور به تعهدات بین‌المللی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌رسد. واقعیت آن است که توافقی عمومی راجع به تعهد گروه‌های مسلح غیردولتی نسبت به پیروی و متابعت از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد و از این جهت تفاوت عمده‌ای میان دولت‌ها و موجودیت‌های مذکور وجود ندارد. با این وجود هنگامی که نوبت به بحث راجع به مبنا و دلایل التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد این حوزه می‌رسد، معلوم می‌گردد نظریه‌های مختلفی در خصوص تبیین علت پابندی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد مذکور مطرح شده است.^۳ در ادامه نظریه‌های مطرح شده در این زمینه تبیین می‌شوند.

در نظریه پابندی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد بین‌المللی به دلیل پذیرش قبلی قواعد مذکور توسط دولت مادر که از آن به‌عنوان نظریه «صلاحیت قانون‌گذاری»^۴ نام

۱. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمه مسلحانه داخلی، چاپ دوم (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳) ص ۷۸.

۲. ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر ترجمه امور بین‌الملل قوه

قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷) صص ۳۰-۳۱.

3. Sandesh Sivakumaran, *The Law of Non-International Armed Conflict* (London: Oxford University Press, 2012) at 10-12, Available at: < <https://www.corteidh.or.cr/tablas/31035.pdf>>, Last visited July 10, (2022).

4. Legislative Jurisdiction.

برده می‌شود، چنین استدلال می‌شود که دولت دارای حاکمیت بر اشخاص و نهادهای متبوع خویش است. اثر این وضعیت آن است که دولت از رهگذر پیوستن به یک معاهده بین‌المللی، نه تنها خود بلکه موجودیت‌های تحت حاکمیت خود را نیز به مفاد معاهده مذکور متعهد می‌سازد؛ حتی اگر موجودیت مذکور گروه مسلح غیردولتی باشد که در حال مخاصمه مسلحانه با آن دولت است.^۱

نقطه اتکای اصلی نظریه صلاحیت قانون‌گذاری ریشه در این واقعیت دارد که این نظریه موجد پاسخ برای این پرسش است که چرا گروه‌های مسلح غیردولت ملزم به رعایت تمامی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ای هستند که دولت قلمرو ارضی بدان‌ها رضایت داده است، صرف نظر از این واقعیت که ممکن است خود گروه‌های مسلح غیردولتی به متعهد شدن به آن قواعد، رضایت نداده باشند. به علاوه مسیر استدلالی استفاده شده در این نظریه تا حد بسیار زیادی قابل مقایسه با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل است که در آنها دولت‌ها دست به اعطای حق یا تحمیل تعهد بر اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌زنند. با این وجود، فقدان رضایت گروه‌های مسلح غیردولتی منجر به بروز محدودیت‌های جدی در تمایل این موجودیت‌ها به پذیرش قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابق نظریه مورد بحث می‌شود. این واقعیت که گروه مسلح غیردولتی یک طرف مخاصمه مسلحانه‌ای است که علیه حکومت مرکزی یک دولت در حال مبارزه می‌باشد، تا حد بسیار زیادی تقویت‌کننده این استدلال است که گروه مذکور حتی ابتدایی‌ترین موازین حقوقی آن دولت را که در صدد تداوم بخشیدن به انحصار حکومت مرکزی در استفاده از زور از رهگذر جرم‌انگاری هر عمل موجد چالش در خصوص انحصار مورد بحث است، نمی‌پذیرد.^۲

در نظریه قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه مسلح غیردولتی به علت ملزم تلقی شدن اشخاص، اینگونه استدلال می‌شود که الزام‌آور بودن حقوق

1. L. Moir, "The Law of Internal Armed Conflict", Cambridge Studies in International and Comparative Law, Cambridge University Press, (2002), at 53, doi:10.1017/CBO9780511495168.

2. Daragh Murry, "How International Humanitarian Law Treaties Bind Non-State Armed Groups", Journal of Conflict & Security Law, Vol. 20, Issue 1, (2014), at 8-10, doi:10.1093/jcsl/kru010.

بین‌الملل بشردوستانه بر اشخاص از دیرباز مورد شناسایی واقع شده است. از آنجایی که اشخاص به دلیل ارتکاب جرایم جنگی مجازات می‌شوند، واضح است تکالیفی بر عهده آنان است که به طور مستقیم از حقوق بین‌الملل نشأت می‌گیرد. چنین تکالیفی شامل تمامی اشخاص می‌شود، صرف‌نظر از اینکه در جایگاه رسمی مبارز در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و به‌عنوان اعضای گروه مسلح متعلق به یک طرف درگیری در چنین مخاصمه مسلحانه‌ای یا آنکه عضوی از یک گروه مسلح درگیر در یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی یا آن که غیرنظامی باشند.^۱

واقعیت آن است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه میان اطراف یک مخاصمه مسلحانه شامل موجودیت‌های جمعی (دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی) از یک سو و اشخاص از سوی دیگر قائل به تفکیک می‌شود. گروه‌های مسلح غیردولتی که در یک مخاصمه مسلحانه درگیر هستند تنها جمعی از اشخاص نیستند که به صورت متفرق اقدام می‌کنند، بلکه این گروه‌ها غالباً همانند هنگامی که دولت‌ها یک طرف درگیر در مخاصمه مسلحانه قرار می‌گیرند، موجودیت‌های قابل شناسایی و با اهداف سیاسی مشخص هستند. گروه‌های مسلح غیردولتی مذکور دارای ارتش منظم و فرمانده‌ای هستند که مسئول اقدامات خود تلقی می‌شود. این در حالی است که شخص عضو گروه از جانب گروه مسلح غیردولت دست به اقدام می‌زند. بنابراین ماهیت توسعه‌نیافته چارچوب حقوقی حاکم بر مسئولیت جمعی گروه‌های مسلح غیردولت نباید سبب بی‌توجهی به این واقعیت شود که درگیری شخص حقیقی عضو گروه مسلح در مخاصمه به‌عنوان بخشی از یک موجودیت جمعی است.

به واقع همان‌گونه که امکان دارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط یک شخص حقیقی به طور هم‌زمان دربرگیرنده مسئولیت کیفری فردی او و نیز مسئولیت بین‌المللی دولتی شود که اقدامات شخص مذکور به آن منتسب می‌شود، همان‌گونه نیز متصور است که اقدامات شخص مورد بحث علاوه بر مسئولیت کیفری فردی وی مستلزم مسئولیت

1. Jann K. Kleffner, The Applicability of International Humanitarian Law to Organized Armed Groups, *International Review of the Red Cross*, Vol. 93, No. 882, (2011), at 11, doi:10.1017/S181638311200001X.

گروه مسلح غیردولت نیز گردد. این بدان معنا نیست که صرفاً اعضای یک طرف درگیر در یک مخاصمه مسلحانه ممکن است قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کنند، بلکه منظور آن است که گروه مسلح غیردولت، مستقل از اعضای خود به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه عهده‌دار تکالیفی است.^۱ بنابراین و با عنایت به آنچه بیان شد، منطقی نیست قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت را از رهگذر ارجاع قدرت الزام‌آور قواعد مذکور بر اشخاص تفسیر نمود؛ چرا که چنین تفسیری این واقعیت را نادیده می‌انگارد که گروه مسلح غیردولت، خود مخاطب تعهدات مجزایی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که مستقل و جدای از تعهدات اشخاص است.^۲

در نظریه پابندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی؛ مبنای استدلال، بحث «دولت در حال شکوفایی»^۳ به نحو مندرج ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها می‌باشد.^۴ بدین ترتیب که گروه‌های مسلح غیردولتی که در صدد ایجاد دولت جدید هستند در صورت نایل شدن به هدف خود، مسئول اعمال متخلفانه خود در زمان مبارزه هستند.^۵ به دیگر سخن هنگامی که قدرت

۱. برای مثال هنگامی که ماده ۳ مشترک تحمیل مجازات و سلب حیات را بدون منوط بودن به دادرسی قبلی که توسط یک دادگاه منظم و متشکل از تمامی تضمینات قضایی که به گواه مردم متمدن ضروری است ممنوع اعلام می‌کند و یا هنگامی که ماده ۶ پروتکل الحاقی شماره ۲ به معرفی استانداردهای بیشتری راجع به تعقیبات کیفری می‌پردازد، این بدان معنا است که قواعد مذکور به صورت ضمنی بیان می‌دارند به منظور پیروی از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قضایای مربوط به محاکمات، طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه، از جمله گروه‌های مسلح غیردولت در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی باید اقدام به تأسیس سازوکارهای قضایی کنند که به آستانه استانداردهای معرفی شده در این زمینه برسد. به طور قطع، انجام چنین امری مربوط به گروه مسلح غیردولت به‌عنوان یک کل است و نه امری مربوط به اشخاص. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: Klenffer, op.cit., at 11.

2. Ibid., at 12.

3. States in Statue Nascendi.

۴. کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، چاپ ششم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳) صص ۷۵-۷۴.

5. L. Zegveld, "Accountability of Armed Opposition Groups in International Law", Cambridge Studies in International and Comparative Law, Cambridge University Press, (2002), at 18, doi:10.1017/CBO9780511495199.

مسئول دست به اعمال حاکمیت موثر بزنند، علت متعهد بودن چنین قدرتی آن است که به واقع نماینده کل کشور یا بخشی از آن است. چنین رویکردی در پرتو اصل موثر بودن^۱ که عنصری در دولت‌گونگی و شناسایی حکومت‌ها به شمار می‌رود، تقویت می‌شود. اتخاذ چنین رویکردی به طور قطع تمرکز را از سمت قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر اشخاص به سمت ماهیت جمعی گروه مسلح غیردولت تغییر می‌دهد و بدین ترتیب به ضعفی که در استدلال قدرت الزام‌آور قواعد مذکور بر اشخاص وجود دارد پاسخ داده می‌شود.

به بیانی دقیق‌تر، تفسیر کردن قدرت الزام‌آور بودن قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت به دلیل اعمال نمودن دوفاکتوی اقتدارات حکومتی، همچنین منجر به برداشته شدن گام مهمی در شناخته شدن گروه‌های مذکور به‌عنوان بازیگران مستقلی که از دولت‌ها مجزا هستند می‌شود. به واقع در هیچ کجا به اندازه چارچوب ماده ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها این مسئله به طور واضح بیان نشده است که رفتار یک جنبش شورشی در صورت شکست به دولت منتسب نمی‌باشد. بدین ترتیب قواعد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی این نکته را روشن می‌کند که ساختار، سازمان‌دهی و رفتار چنین جنبشی از ساختار، سازمان‌دهی و رفتار دولت متمایز است. از سوی دیگر حسب استدلال مطروحه در این نظریه، با توجه به این که منطقی است چنین گروه‌هایی دغدغه مشروع بودن خود را از منظر سایر دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در سطح کلان داشته باشند، ممکن است راجع به هر استدلالی دایره بر اینکه گروه‌های مذکور باید از قواعدی که به‌عنوان بخشی از شاکله مشروع تلقی شدن تلقی می‌شوند، حساس باشند و نکته طلایی آن است که چنین قواعدی به طور قطع دربرگیرنده ملاحظات بنیادین راجع به بشریت هستند، همان‌گونه که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه این گونه هستند.

همچنین در مقایسه با نقطه ضعف نظریه صلاحیت قانون‌گذاری که استدلال می‌شود اصولاً گروه مسلح مایل به پذیرفتن تعهداتی نیست که توسط دولت مادر پذیرفته شده است، در نظریه اعمال نمودن کارکردهای حکومتی دوفاکتو؛ چنین استدلال می‌شود که

1. The Principle of Effectiveness.

اصولا برای گروه مسلح غیردولتی دشوار است که قدرت الزام آور قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را رد کند، چرا که قواعد مذکور خواستار آن هستند که گروه مذکور مسئولیت های خود را به عنوان یک موجودیت که شبیه به دولت است (موجودیت دوفاکتو) و سودای نماینده دولت بودن در آینده را دارد شناسایی کند.

استدلال اعمال دوفاکتوی اقتدارات حکومتی توسط گروه های مسلح غیردولت علی رغم نقاط قوت فوق الذکر، مورد انتقاداتی نیز واقع شده است. برای آن که یک گروه مسلح غیردولت به مرحله اعمال دوفاکتوی اقتدارات حکومتی برسد نیازمند آن است که بر بخشی از قلمرو ارضی و جمعیت کنترل داشته باشد و همچنین از آنچنان نظم سازمانی برخوردار باشد که در راستای اعمال قدرت عمومی جایگزین ارگان های دولت شوند؛ شرایطی که به تفصیل در پروتکل الحاقی شماره دو ذکر شده است. اما واقعیت آن است که تعداد کمی از مخاصمات مسلحانه غیردولتی به چنین آستانه ای می رسند. بدیهی است هنگامی که چنین آستانه ای حاصل نمی شود، استدلال اعمال اقتدارات حکومتی به صورت دوفاکتو نمی تواند علت التزام گروه های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را توضیح دهد. نکته دیگر آن است که مینا در استدلال اعمال اقتدارات حکومتی به صورت دوفاکتو مبتنی بر تمایل گروه مسلح غیردولت به در دست گرفتن کرسی حکومت است. این در حالی است که هیچ قطعیتی وجود ندارد که بتوان بر مبنای آن استدلال کرد هدف تمامی گروه های مسلح غیردولت از مخاصمه مسلحانه دست یابی به چنین موقعیتی است.^۱

در نظریه قدرت الزام آور به سبب حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی و تلقی گروه های مسلح غیردولت به عنوان اشخاص حقوقی بین المللی، مبنای استدلال آن است که گروه های مذکور به سبب شخصیت حقوقی بین المللی که دارند، به حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی ملتزم تلقی می شوند. کمیسیون تحقیق در امور دارفور؛ مسئله فوق را این طور بیان می کند که تمامی گروه هایی که به سطح مشخصی از سازمان دهی، ثبات و داشتن کنترل موثر بر قلمرو ارضی رسیده اند از شخصیت حقوقی بین المللی برخوردار هستند و بنابراین به مقررات

1. Murry, op.cit., at 15-17.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی مربوطه در زمینه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ملتزم تلقی می‌شوند.^۱

حسب نظریه مذکور، علت پایبندی گروه‌های مسلح غیردولت برخوردار از شخصیت حقوقی بین‌المللی به قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، جایگاه عرفی محتوای این قواعد می‌باشد؛ قواعد بشردوستانه عرفی که اصولاً ناشی از رویه دولت‌ها تلقی می‌شود. در این راستا در دکتترین این مسئله مورد پذیرش برخی از اندیشمندان واقع شده است که برای ملتزم تلقی نمودن گروه‌های مسلح غیردولت به یک قاعده عرفی می‌بایست رویه این گروه‌ها مورد توجه واقع گردد.^۲ از منظر این دسته از اندیشمندان، قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیردولتی می‌بایست نشأت گرفته از رویه عملی و عنصر معنوی هر دو طرف این نوع مخاصمات یعنی دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی در نظر گرفته شود.

حقوق عرفی مبتنی بر رفتار تابعان^۳ یک قاعده در قالب فعل یا ترک، بیانات، اظهارنظرها، اتهامات متقابل و توجیهات آنان برای رفتارهای خویش است و از لحاظ منطقی، گروه‌های مسلح غیردولتی می‌بایست تابع حقوق عرفی باشند که در خلق و ایجاد آن مشارکت می‌کنند.^۴ در واقع مطابق نظریه مورد بحث، مشارکت گروه‌های مسلح غیردولتی در فرآیند خلق قواعد عرفی از رهگذر مورد ملاحظه قرار دادن اظهارات علنی موجودیت‌های مذکور در قالب اعلامیه‌های یکجانبه، توافق‌های ویژه و کدهای رفتاری آنها قابل استنباط است؛ چرا که قالب‌های نام برده شده نمایانگر رویه عملی و اعتقاد

1. Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations secretary General, (25 January 2005), Para 172, Available at: < [https:// www.un.org/ruleoflaw/blog/document/report-of-the-international-commission-of-inquiry-on-darfur-to-the-united-nations-secretary-general/](https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/report-of-the-international-commission-of-inquiry-on-darfur-to-the-united-nations-secretary-general/)>, Last visited March 8, (2022).

2. Jonathan Somer, "Jungle Justice: Passing Sentence on the Equality of Belligerents in Non-International Armed Conflict", Selected Article on International Humanitarian Law, Vol. 89, No. 867 (September 2007), at 655- 661, Available at: < <https://international-review.icrc.org/sites/default/files/irrc-867-8.pdf>>, Last visited April 15, 2022.

3. Subjects.

4. Marco Sassòli, "Taking Armed Groups Seriously: Ways to Improve their Compliance with International Humanitarian Law", Journal of International Humanitarian Legal Studies, Vol. 1, No. 1, (2010), at 21-23. doi: <https://doi.org/10.1163/187815210X12766020139767>.

حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی در بیان و ابراز تمایل آنها به ملتزم تلقی شدن به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. در چنین فضای استدلالی، وقتی گروه مسلح غیردولتی درمی‌یابد که دارای فرصتی برای مشارکت در فرآیند قانون‌سازی در قلمرو عرفی است، چنین استدلال می‌شود که این امر می‌تواند به مثابه انگیزه قدرتمندی برای تغییر رفتار آنها در جهت رعایت هرچه بیشتر قواعد حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه عمل نماید.^۱

واقعیت آن است که سهمیم در نظر گرفتن گروه‌های مسلح غیردولتی در فرآیند تحول و توسعه قواعد بین‌المللی با چالش‌هایی همراه است که از آن جمله می‌توان به مواردی از قبیل دشواری در تعیین معیارهای حاکم بر تشخیص و انتخاب گروه‌های غیرمسلح قادر به ایفای نقش در فرآیند تحول و توسعه قواعد بین‌المللی، دشواری در تعیین شاخص‌های مربوط به نحوه نظارت و تفسیر نمودن اقدامات گروه‌های مذکور اعم از فعل یا ترک فعل به عنوان اقدامات مؤید رویه عملی و اعتقاد معنوی آنها و در نهایت دشواری در چگونگی بها دادن به چنین عناصر سازنده عرفی در کنار رویه عملی و اعتقاد حقوقی دولت‌ها و سایر گروه‌های اشاره نمود.^۲ مطابق گزارش انجمن حقوق بین‌الملل در این خصوص، گروه‌های مسلح غیردولتی نقش مهمی در شکل‌گیری معاهدات و نیز عرف بین‌المللی به صورت غیر مستقیم از رهگذر تشویق دولت‌ها به انجام اقدام یا اتخاذ رویکردی ویژه در خصوص یک موضوع ایفا می‌کنند.^۳

توافقنامه‌های زیادی میان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی با گروه‌های مسلح غیردولت وجود دارد. انعقاد چنین توافقنامه‌هایی به‌ویژه در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، علی‌رغم روشن نبودن ارزش حقوقی واقعی این توافق‌نامه‌های معاهده‌گونه،

1. Somer, op. cit., at 665.

۲. حسین خلف رضایی، «گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۶، (پاییز زمستان ۱۳۹۶)، صص ۲۵۸-۲۶۳، Doi:2019/8249/1463/10.220.66.

3. Jean d'Aspremont, et al., "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)", (2016), at 8-10, doi 10. 13140/ RG. 2.2.31590.75844.

مورد تشویق قرار گرفته است.^۱ نکته جالب آن است که بسیاری از این توافق‌نامه‌ها در عمل در قالب معاهده مورد اجرا واقع شده‌اند. این در حالی است وجود چنین قابلیت‌هایی به صورت رسمی مورد شناسایی واقع نشده است و نیاز است که گروه مسلح غیردولتی به عنوان شخص حقوقی، دارای قابلیت برای طرف معاهده بودن مورد شناسایی واقع شود. همچنین برخی از گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان موجودیت‌هایی تلقی شده‌اند که قادر به صدور بیانیه‌ای یکجانبه، به ویژه در زمینه متابعت و پیروی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشند. مخاطب برخی از این بیانیه‌ها، به ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل می‌باشد. مهم‌تر از بحث توانایی صدور بیانیه‌های یکجانبه یا توافق‌نامه‌های ویژه، توجه به این نکته است که آیا رویه گروه‌های مسلح غیردولتی منجر به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی می‌شود یا خیر؟ طرح این پرسش از این منظر حائز اهمیت است که دانسته شود برخی از نظریه پردازان و دادگاه‌های بین‌المللی به رویه گروه‌های مسلح غیردولتی برای ایجاد یا اثبات حقوق بین‌الملل عرفی می‌نگرند. برای مثال دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی

۱. عملکرد گروه‌های مسلح غیردولتی در حوزه رعایت هنجارهای بین‌المللی، ممکن است تأثیرات حائز اهمیتی بر عملکرد دولت طرف مقابل مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی نیز داشته باشد. برای مثال با بررسی رویه بانگ ژنو در دکنترین، مشخص شده است که موضع‌گیری و سیاست گروه‌های مسلح غیردولتی مبنی بر عدم استفاده از مین‌های زمینی، مسیر پیوستن دولت‌ها به معاهده ۱۹۹۷ اتاوا با عنوان «پیمان منع مین ضد نفر» را هموارتر ساخته است. این هموارسازی از طریق فشار اجتماعی بر دولت‌هایی بوده که هنوز به عضویت معاهده مذکور درنیامده بودند، اما گروه‌های مسلح غیردولتی فعال در قلمرو سرزمینی آنها، سندی را که راجع مفاد معاهده مورد بحث توسط سازمان بانگ ژنو تهیه شده بود مورد پذیرش قرار داده بودند. نمونه واقعی این استدلال در سودان و بروئی اتفاق افتاد. بدین ترتیب که جنبش آزادیخواه خلق سودان در سودان سند تعهد تنظیم شده توسط سازمان غیردولتی بانگ ژنو در خصوص خودداری از استفاده از مین‌های ضدنفر را مورد پذیرش داد و متعاقباً دولت‌های سودان نیز به معاهده ۱۹۹۷ اتاوا پیوست. در بروئی نیز روند تصویب معاهده اتاوا توسط دولت از طریق گروه‌های مسلح غیردولتی بدین ترتیب تسهیل شد که ابتدا جنبش موسوم به شورای ملی دفاع از دموکراسی التزام و پایبندی خود را به سند تعهد تنظیم شده توسط سازمان بانگ ژنو در خصوص پیمان منع استفاده از مین‌های ضد نفر اعلام نمود و هنگامی که جنبش مذکور در سال ۲۰۰۵ به قدرت رسیده فرآیند تصویب معاهده اتاوا با سرعت بسیاری صورت پذیرفت. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Geneva Call, "Engaging Armed Non-State Actors in a Landmine Ban", The Geneva Call Progress Report 2000-2007, at 11-12, Available at: < [https:// www. genevacall. org/wp content/uploads/dlm_uploads/2013/12/raport.pdf](https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/raport.pdf).>, Last visited March 20, 2022 & H. Krieger, *Inducing Compliance with International Humanitarian Law: Lessons from the African Great Lakes Region* (Cambridge: Cambridge University Press, 2015) at 37, doi:10.1017/CBO9781316182369.

سابق، رویه^۱ گروه‌های مسلح غیردولتی را هرچند به شیوه‌ای محدود، برای ارزیابی حقوق بین‌الملل عرفی مورد توجه قرار داد. از آنجایی که اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اشعار می‌دارد صرفاً رویه پذیرفته شده به صورت قانون کفایت می‌کند و وجود مقرر را به پذیرش آن از سوی دولت‌ها منحصر نمی‌کند، بنابراین تا حدودی می‌توان از نظریه نقش رویه گروه‌های مسلح غیردولتی در تکوین حقوق بین‌الملل عرفی حمایت به عمل آورد. حتی برخی از نظریه پردازان بر این باور هستند که گروه‌های مسلح غیردولتی، در حال توسعه حقوق مخاصمات مسلحانه مختص خود به موازات حقوق مخاصمات مسلحانه میان دولت‌ها هستند.^۲

با این وجود، غالب مفسران حقوق بین‌الملل نظیر کمیسیون حقوق بین‌الملل عقیده دارند که عمدتاً دولت‌ها در تکوین حقوق بین‌الملل عرفی نقش دارند. بنابراین در حالی که نهادی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ رویه گروه‌های مسلح غیردولتی را رصد و مستند می‌کند، در عین حال رویه این موجودیت‌ها را از رویه دولت‌ها در رابطه با شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی متمایز می‌سازد و علت این تمایز، عدم قطعیت در شناسایی و دسته‌بندی بازیگران در تشکیل قواعد لازم برای تکوین حقوق بین‌الملل عرفی است. به واقع بررسی محتوای حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نشانگر آن است که این حوزه با مانع نسبتاً بزرگی مواجه است و آن عبارت است از تلقی دولت‌ها به‌عنوان یگانه موجودیت‌های قادر به حقوق‌سازی در قلمرو حقوق بین‌الملل. این در حالی است که دست کم در چارچوب قواعد حقوق بشردوستانه، ارزش و جایگاه اظهارنظرهای علنی گروه‌های مسلح غیردولتی با محوریت ابراز تمایل خودخواسته به موضوعات مربوط به شاکله و بنیان حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست.^۳ از منظر برخی از اندیشمندان در دکتترین، طراحی هرچه کارآمدتر حقوق به منظور هرچه بهتر پوشش دادن مقتضیات مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، در گرو درک نمودن برداشت‌ها و

1. Practice.

2. Kleffner, op.cit., at 17.

3. d'Aspremont, et al., op.cit., at 11.

تلقی‌های اطراف مخاصمه مسلحانه از مقررات و همچنین تنویر علل تبعیت یا عدم تبعیت آنان از مقررات موجود می‌باشد.^۱

در کنار نظریه‌های گوناگونی که در دکترین راجع به علل پایبندی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بشردوستانه بیان شده است، از «اصل برابری متخاصمان»^۲ نیز به‌عنوان یکی از نظریه‌های چرایی ملتزم تلقی شدن گروه‌های مذکور به قواعد این حوزه از حقوق نام برده می‌شود.^۳ حسب اصل برابری متخاصمان، تمام طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه، صرف نظر از قضاوت در خصوص مشروعیت سنجی انگیزه و علت توسل به زور، دارای حقوق و تکالیف برابر هستند. این امر به صورت ضمنی در ماده ۳ مشترک با عبارت پردازی «هر طرف درگیر»^۴ و همچنین در بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مطرح شده است. بدین ترتیب تعهد گروه‌های مسلح غیردولتی به تبعیت و پیروی از هنجارهای حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، صرف نظر از هرگونه قانون‌گذاری ملی که رفتار آنها را جرم‌انگاری نماید، بر مبنای اصل برابری متخاصمان پا برجا باقی می‌ماند.^۵ به واقع بر مبنای اصل مذکور چنین فرض می‌شود که تمامی طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه به میزان و به دلایل حقوقی برابر، به قواعد حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ملتزم هستند؛ چراکه اگر غیر از این فرض شود، نتیجه آن می‌شود که برابری جایگاه طرف‌های درگیر از میان برود و تعهدات گروه‌های مسلح غیردولتی در مقایسه با دولت‌ها سیطره محدودتری را به خود اختصاص بدهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که ثمره اصل برابری متخاصمان در افزایش احتمال رعایت هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در چارچوب مخاصمات مسلحانه است. در چنین شرایطی اگر گروه‌های مسلح غیردولتی بر این باور باشند که هنجارهای مذکور صرفاً

۱. علی توکلی طبسی و فرنگیس منصور، «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی

سوریه»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۲، شماره ۵۲، (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، صص ۱۶۱-۱۶۲.

2. The Principle of Equality of Belligerents.
3. Somer, op. cit., at 668.
4. Each Party.
5. Qureshi, op.cit., at 14.

ساخته و پرداخته دولت‌ها نیست، شانس احترام این موجودیت‌ها به هنجارهای مورد بحث باز هم افزایش می‌یابد.^۱

نظریه دیگری که در این زمینه مطرح شده است نظریه شمول قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت به دلیل رضایت این موجودیت‌ها می‌باشد. تمامی استدلال‌های مطروحه در قسمت‌های پیشین، مبتنی بر این فرض هستند که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صرف‌نظر از رضایت یا برخلاف رضایت گروه‌های مسلح غیردولتی بر آنها تحمیل می‌شود. در نقطه مقابل تمامی استدلال‌های مذکور، استدلالی وجود دارد که بیان می‌کند علت التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه آن است که این موجودیت‌ها رضایت خود را نسبت به ملتزم شدن به موجب یک قاعده اعلام کرده‌اند.^۲ در این راستا کمیسیون تحقیق در امور دارفور علاوه بر اشاره به شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی به‌عنوان یک مبنا، این نکته را مورد تبیین قرار داده است که پذیرش ضمنی اصول کلی و قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولت از مفاد برخی توافق‌نامه‌های منعقد شده میان دولت سودان و جنبش آزادیبخش سودان قابل استنباط است. به علاوه از آنجایی که جنبش آزادیبخش سودان به موجب حقوق بین‌الملل عرفی از قدرت ورود به توافقنامه‌های بین‌المللی الزام‌آور برخوردار است، توافق‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آور متعددی با دولت سودان منعقد کرده است.

1. David E. Cunningham, et al., "Non-State Actors in Civil Wars: A New Dataset." *Conflict Management and Peace Science*, Vol. 30, No. 5, (2013), at 516–519, doi: 10.1177/0738894213499673.

۲. به واقع حقوق بین‌الملل بشردوستانه به همان اندازه که منعکس‌کننده رویکردی رضایت‌محور در خصوص قدرت الزام‌آور قواعد این حوزه است، به همان اندازه نیز چنین رضایتی را نامرتبط قلمداد می‌کند. از یک‌سو ماده ۳ مشترک بیان می‌کند که هر طرف درگیری ملزم به اعمال نمودن تعهدات ماهوی مندرج در قسمت یک به‌عنوان استانداردهای (حداقلی) است. ملاحظه می‌شود رضایت یا عدم رضایت گروه مسلح غیردولت بی‌اهمیت تلقی شده است. از سوی دیگر ماده ۳ مشترک طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی را به انعقاد موافقتنامه‌های ویژه تشویق می‌کند که از رهگذر آنها تمامی یا بخشی از مقرره‌های کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو لازم‌الاجرا شود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: Klenffer, *op.cit.*, at 20.

در توافق‌نامه‌های فوق‌الذکر، جنبش مذکور متعهد به متابعت از حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است. به بیان دیگر، کمیسیون مذکور به ترکیب استدلال الزام‌آور بودن قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت به سبب بهره‌مندی آنها از شخصیت حقوقی بین‌المللی با استدلال الزام‌آور بودن قواعد مذکور بر گروه‌های نامبرده شده به دلیل رضایت آنها به پایبندی به قواعد فوق دست زده است. به واقع به هیچ‌وجه امری استثنایی نیست که گروه‌های مسلح غیردولتی به صورت یکجانبه رضایت خود را نسبت به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اعلام کنند؛ نظیر مورد پذیرش قرار دادن اسناد تعهدی که توسط بانگک ژنو در خصوص ممنوعیت به‌کارگیری مین‌های ضد نفر و نیز افزایش حمایت از کودکان در برابر تأثیرات مخاصمات مسلحانه تهیه شده است.

در این راستا چنین استدلال می‌شود که بها دادن به عنصر رضایت گروه مسلح غیردولتی در پذیرش قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه سبب می‌شود هنجارهای مذکور با درجه بیشتری از مشروعیت از منظر گروه مورد بحث تلقی می‌شوند. چنین مشروعیتی به نوبه خود احتمال فرآیند داخل شدن هنجارها به رویه عملی گروه مسلح غیردولت را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب در حالت اعلام رضایت توسط گروه مسلح غیردولت، مبنایی برای اشاعه حقوق و فرآیند مشارکت توسط نهادهای بشردوستانه نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فراهم می‌شود. به علاوه اینکه به گروه مسلح غیردولت اجازه داده شود که رضایت یا عدم رضایت خود را نسبت به یک قاعده مشخص بیان کند، سبب می‌شود این ظرفیت برای گروه مسلح غیردولت ایجاد شود که به شناسایی قواعدی بپردازد که آنها را منطبق با واقعیت تلقی می‌کند. از سوی دیگر انتقاد وارد بر این نظریه آن است وجود لزوم رضایت به این معنی است که هیچ قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاهده‌ای که گروه مسلح غیردولت به پایبند شدن به آن رضایت نداده است، بر گروه مذکور الزام‌آور نخواهد بود و این امر تهدید کننده اصل برابری متخاصمان خواهد بود.^۱

1. Ibid., at 21.

۲. تبیین ضرورت و ثمره ملتزم تلقی کردن گروه‌های مسلح غیردولتی به تعهدات بین‌المللی بشردوستانه

پس از بررسی مبانی التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نوبت به تنویر اثر التزام مذکور به این قواعد در چارچوب قواعد ثانویه می‌رسد. واقعیت آن است که ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی از حیث بین‌المللی، وابسته به عوامل گوناگونی است. در سطح دکترین، اندیشمندان دلایل گوناگونی برای ضرورت این موضوع بیان نموده‌اند از جمله آنکه مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی می‌تواند منجر به اجرای بهتر حقوق بین‌الملل نیز گردد؛ چرا که این قابلیت فراهم می‌شود تا به جای مجازات کردن اشخاص در سطح کیفری به گونه صرف، از گروه خواسته شود که رویه خود را تغییر دهد.^۱ دلیل دیگر در لزوم ارائه پاسخ به پرسش مذکور آن است که پاسخ‌های متفاوت، در برگیرنده دلالت‌های ضمنی متفاوت راجع به این موضوع هستند که کدام یک از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابلیت اعمال بر گروه‌های مسلح غیردولت را دارند و اینکه کدام رفتار گروه ملتزم مسئولیت خواهد بود.^۲ از سوی دیگر عده‌ای از اندیشمندان بر این باور هستند که ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی از حیث بین‌المللی، فرصتی مقتضی برای قربانیان فراهم می‌سازد تا برای درد و رنج تحمیل شده به آنان در اثر نقض قواعد حقوق بین‌الملل درخواست جبران خسارت نمایند.^۳ استدلال دیگری که در دکترین در خصوص ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی مطرح شده است مؤید این یافته است که به منظور اعمال موثر و کارآمد حقوق بین‌الملل بر گروه‌های شورش‌ی مخالف، می‌بایست بتوان گروه را به‌عنوان «یک کل»^۴ درگیر ساخت، چرا که جرایمی که با عنوان جرم

1. Bellal Annysa, *Establishing the Direct Responsibility of Non-State Armed Groups for Violations of International Norms: Issues of Attribution*, In *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place* (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015) at 32, doi: https://doi.org/10.1163/9789004293632_016.

2. Ibid.

3. Gal-Or, Noemi et al., *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, Chapter 14 (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015) at 210, doi: <https://doi.org/10.1163/9789004293632001>.

4. Collectivity.

بین‌المللی شناخته می‌شوند اصولاً جرایمی هستند که پایه‌های آنها بر کلیت استوار است و به صورت انفرادی ارتکاب نمی‌یابند.^۱ از سوی دیگر عده‌ای از اندیشمندان بر این باور هستند که حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌بایست به طور مستقیم و از طریق ساز و کارهای بین‌المللی علیه گروه‌های مسلح به عنوان یک گروه اعمال گردد. از منظر این طیف از نظریه پردازان، حقوق بین‌الملل می‌بایست با قلمرو حال حاضر بین‌المللی منطبق شود؛ قلمرویی که در آن بازیگران گوناگونی از جمله گروه‌های مسلح در حال نقش آفرینی هستند.^۲

اما چه بسا مهم‌ترین استدلال، ریشه در فاصله ایجاد شده به موجب قواعد ثانویه راجع به رژیم مسئولیت بین‌المللی داشته باشد. واقعیت آن است که به هنگام نقض یک تعهد بین‌المللی، شرایط به گونه‌ای است که اشخاص و دولت‌ها در قالب رژیم‌های جداگانه حقوقی، مسئول شناخته می‌شوند. بدین ترتیب که از یک‌سو، نظام مسئولیت کیفری بر اعضای گروه‌های مسلح غیردولتی قابل اعمال است و این در حالی است که صرفاً مجموعه‌ای معین از نقض‌ها، مشخصاً نقض‌هایی که منجر به جرایم بین‌المللی می‌شوند نظیر جرم جنگی یا جنایت علیه بشریت، قابلیت مجازات شدن در سطح نظام کیفری بین‌المللی را دارا هستند. از سوی دیگر دولت‌ها اصولاً بابت اعمال اشخاص خصوصی مسئول نمی‌باشند. ملاحظه می‌شود در اینجا یک خلاء حقوقی وجود دارد که مؤید ضرورت مستقیماً مخاطب قرار دادن گروه‌های مسلح غیردولتی در هنگام نقض تعهدات بین‌المللی توسط آنها می‌باشد. نتیجه چنین رویکردی ضرورت مسئول قلمداد نمودن احتمالی گروه‌های مذکور به لحاظ بین‌المللی است که در عین حال رفع‌کننده خلاء حقوقی مورد بحث نیز می‌باشد.^۳

حال که ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی به لحاظ بین‌المللی تبیین گردید، نوبت به مذاقه در منابع حقوق بین‌الملل در خصوص مبانی مسئولیت بین‌المللی موجودیت‌های مذکور می‌رسد. در این راستا، مطالعه مواد طرح مسئولیت

1. Zegveld, op. cit., at 49.

2. Sassòli, "Taking Armed Groups Seriously: Ways to Improve their Compliance with International Humanitarian Law", at 101.

3. Murry, op.cit., at 17-20.

دولت‌ها برای ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی، نشان می‌دهد که کمیسیون حقوق بین‌الملل بر آن بوده است که رفتار گروه‌های معینی از گروه‌های مسلح غیردولتی را مشمول قواعد رژیم ثانویه مسئولیت بین‌المللی به نحو منعکس در طرح مذکور بداند؛ یعنی مشخصاً گروه‌های شورشی که در نهایت موفق به تشکیل دولت جدید می‌گردند. در دکترین از گروه‌های شورشی مذکور به عنوان «دولت در حال شکوفایی» نام برده می‌شود. ماده ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها چنین اشعار می‌دارد که رفتار یک جنبش، اعم از شورشی یا غیرشورشی که منجر به تأسیس یک دولت در بخشی از قلمرو دولت سابقاً موجود یا در قلمرو تحت اداره آن می‌شود، به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت محسوب می‌شود. در راستای تبیین معنا و تنویر عبارت جنبش شورشی یا غیر آن، نظریه پردازان در پاراگراف ۹ ذیل ماده ۱۰ طرح مسئولیت از پروتکل الحاقی شماره دو به عنوان یک راهنمای تعریفی نام می‌برد.^۱

از حیث مسئولی گروه‌های مسلح غیردولتی مشمول ماده ۱۰ طرح مسئولیت، کمیسیون حقوق بین‌الملل به یادآوری این نکته می‌پردازد که در عین حالی که موضوع طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است، اما این احتمال وجود دارد که جنبش شورشی به دلیل رفتارش مثلاً نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط نیروهایش به موجب حقوق بین‌الملل، مسئول قلمداد گردد،^۲ اما این فرض مربوط به زمانی است که جنبش مذکور، قدرت را به دست بیاورد و جایگزین دولت در قلمرو جغرافیایی شود و به عنوان یک دولت برای اعمالی که پیش‌تر به عنوان گروه مسلح غیردولتی مرتکب شده بود، مسئول قلمداد شود. این دیدگاه توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ذیل ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مورد تأکید قرار گرفته است.^۳ پروفیسور آگو دیدگاه مذکور را با

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ص ۱۰۸-۱۱۰.

2. Jean D'Aspremont, "Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents", *The International and Comparative Law Quarterly* 58, No. 2, (2009), at 420, Available at: <http://www.jstor.org/stable/20488297>, Last visited July 20, (2022).

3. ICRC, "Commentary on Common Article 3 of the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field", (2016), para. 890, Available at: https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#863_B, Last visited July 20, (2022).

اشاره به مفهوم پیوستگی میان جنبش شورشی و دولت محصول اقدامات آن گروه توضیح می‌دهد. وی بیان می‌دارد که اقدامات توسط ارگان‌های جنبش ارتکاب یافته است و جنبش به دولت جدید حیات بخشیده است.^۱

واقعیت آن است که قاعده مندرج در ماده ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برخی تصمیمات داوری اتخاذ شده طی نیمه اول قرن ۲۰ میلادی اعمال شده است، اما رویه دولت‌ها یا گروه‌های مسلح غیردولتی به نحو مطلوبی حاکی از تأکید و تأیید ماده ۱۰ طرح مسئولیت نمی‌باشد. بنابراین روشن می‌شود که ماده ۱۰ طرح مسئولیت در پرداختن به رویه دنیای واقعی و اقدامات گروه‌های مسلح غیردولتی چندان موفق نبوده است و موثر بودن آن می‌تواند محل تردید باشد.^۲

با اشاره به آنچه بیان شد، ملاحظه می‌شود که در بحث راجع به مبانی نظری، امکان در نظر گرفتن مسئولیت بین‌المللی برای گروه‌های مسلح غیردولتی می‌بایست به دنبال چارچوبی به غیر از ماده ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بود. اما پیش از پذیرش امکان در نظر گرفتن رژیم حقوقی از جنس قواعد ثانویه بر گروه‌های مذکور، ابتدا می‌بایست قواعد احتمالی از جنس حقوق آینده قابل اعمال بر رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی را روشن ساخت. در هنگام پرداختن به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، همواره از دو عنصر انتساب و عمل متخلفانه بین‌المللی یاد می‌شود. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از انتساب به عنوان معیار تشخیص و تمییز شرایطی یاد می‌کند که در آن «رفتاری شامل فعل یا ترک فعل یا مجموعه‌ای از فعل‌ها و ترک فعل‌ها به عنوان رفتار دولت تلقی می‌شود.» اما در نظریه مورد بحث، از انتساب به عنوان یک عامل ارتباط دهنده عمل متخلفانه بین‌المللی به یک گروه مسلحانه غیردولتی یاد می‌شود. معمولاً بسته به سازمان‌دهی گروه،

1. R. Ago, "Fourth Report on State Responsibility", Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, 131-132, (1972), at 141, Available at: <[http:// legal. un. org/ilc/documentation/english/a_ cn4_264.pdf](http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_264.pdf), Last Visited March 10, (2022).

۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه بنگرید به:

سید علی حسینی آزاد، «مسئولیت گروه‌های نظامی غیردولتی در قبال نقض حقوق بشر در پرتو بیانیه مشترک مخبران مستقل حقوق بشر ملل متحد»، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (اردیبهشت ۱۴۰۰)،

Available at: <<http://unstudios.ir>>, Last visited September 18, (2022).

انتساب یک نقض تعهد بین‌المللی همواره عمل سهل و آسانی نمی‌باشد، چرا که در عرصه بین‌المللی، طیف وسیعی از گروه‌های مسلح غیردولتی با ویژگی متفاوت مشغول به فعالیت و نقش‌آفرینی هستند.^۱ اما در عین حال این نکته مورد تاکید قرار گرفته است که گروه‌های مسلح مخالف می‌بایست عهده‌دار مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه ارتكابی توسط ارگان‌ها یا اعضای خود باشند.^۲

رویه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در این خصوص مشدد و مبهم است. کمیته در مطالعات عرفی خود در سال ۲۰۰۵، گروه‌های مسلح غیردولتی را به جهت اقدامات ارتكابی توسط اشخاص تشکیل دهنده گروه دارای مسئولیت می‌داند،^۳ اما در نظریه تفسیری راجع به ماده ۳ مشترک، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ چنین اشعار داشته است که موضع حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت گروه‌های مسلح غیردولتی به‌عنوان یک موجودیت در نوع خودش برای اعمال ارتكاب یافته توسط اعضای گروه نامشخص است.^۴ در این راستا برخی از اندیشمندان در دکترین چنین استدلال کرده‌اند که هرچه قدر سازماندهی گروه مسلح غیردولتی بیشتر و کنترل آن بر قلمرو سرزمینی با ثبات‌تر باشد مانند آنچه در بحران یمن و به‌ویژه در خصوص جنبش انصارالله و سپس شورای انتقالی جنوب دیده می‌شود، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به صورت کارآمدتر اعمال می‌شوند. با ملاحظه مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که یک گروه مسلح غیردولتی که بسیار سازماندهی شده و دارای کنترل طولانی‌مدت بر بخشی از قلمرو کشور است و همچنین دارای نهادهایی شبیه به دولت^۵ می‌باشد، ممکن است به موجب قواعد حقوق مسئولیت

1. Veronika Bílková , *Establishing Direct Responsibility of Armed Opposition Groups for Violations of International Humanitarian Law? In Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place* (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015) at 315, doi: https://doi.org/10.1163/9789004293632_014.

2. Sassoli, op. cit., at 50 .

۳. هنکرتز و لوئیس، همان، ص ۶۱-۶۵.

4. ICRC, op. cit., para. 892.

۵. در بحث پیش‌رو منظور از نهاد شبه‌دولت گروه‌های مسلح غیردولتی هستند که در فقدان دولت مرکزی مقتدر در حال اعمال اقتدارات حاکمیتی با لحاظ مقتضیات ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد. در بخش بعدی به این مفهوم بیشتر پرداخته می‌شود.

بین‌المللی مسئول قلمداد شود.^۱ در این خصوص در دکتترین چنین استدلال شده است در مواردی که در غیاب یک دولت کارآمد و منجسم، گروه مسلح غیردولتی عهده‌دار کارکردهای حاکمیتی گردیده است و عملکردی دولت‌گونه دارد، می‌توان از ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به منظور پر کردن خلاء حقوقی مسئولیتی بهره‌مند شد. به واقع مطابق این رویکرد، مواردی وجود دارد که گروه مسلح غیردولتی در بازه زمانی است که هنوز وضعیت شکست یا پیروزی آن در محاصره مشخص نشده است، ولی در عین حال به دلیل وجود دولت مرکزی ناتوان ایفاگر برخی اعمال حاکمیتی می‌باشد که این موضوع به گروه مسلح مذکور، هویتی دولت‌گونه و دوافکتو بخشیده است. این موضوع سبب می‌شود اقدامات مذکور در قالب ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی قابل بررسی باشد.^۲

۳. در تحلیل وقایع یمن

تدقیق در وقایع طی ۸ سال اخیر در یمن، حاکی از وجود مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی شامل محاصره میان طرفداران منصور هادی با حوثی‌ها، القاعده در شبه‌جزیره عربی و شورای انتقالی جنوبی^۳ و در عین حال محاصره میان گروه‌های مسلح غیردولتی نام برده

1. Dominic O'sullivan, "Sovereignty" "We Are All Here to Stay": Citizenship, Sovereignty and the UN Declaration on the Rights of Indigenous Peoples", 1st ed., ANU Press, (2020), at 160, JSTOR, <https://doi.org/10.2307/j.ctv186grnt.12>, Last Accessed on August 5, 2022.

2. Ibid.

۳. به طور خلاصه، طرف‌های عمده محاصره در یمن عبارتند از:

۱- جنبش انصارالله که با نام حوثی‌ها نیز شناخته می‌شوند: این گروه، مبارزان جنبش مقاومت یمن هستند که نام خود را از حسین بدرالدین الحوثی وام گرفته‌اند. مقر آنها در منطقه شمالی سعه به‌عنوان منطقه‌ای عمدتاً شیعه زیدی است.

۲- شورای انتقالی جنوبی: این گروه در مارس ۲۰۱۷ توسط ایدروز الزبیدی فرماندار سابق عدن که بزرگ‌ترین شهر در جنوب یمن است تأسیس شد. شورای انتقالی جنوبی با بهره‌مندی از سازمان‌یافتگی و تسلط بر عمده مناطق جنوبی یمن به دنبال استقلال جنوب یمن است. تأسیس این شورا ریشه در واکنش به شکست منصور هادی در اداره قسمت جنوبی یمن دارد.

۳- منصور هادی: رئیس دولت مستعفی یمن که قبلاً معاون اول علی عبدالله صالح بود و در سال ۲۰۱۲ رئیس جمهور انتقالی یمن شد؛ اما در ژانویه ۲۰۱۵ و در پی خیزش مردمی استعفا کرد و به منظور فرار از بازداشت به عدن گریخت و در آنجا به سازماندهی حامیان خود پرداخت.

شده با یکدیگر^۱ و نیز مداخله نظامی خارجی با محوریت عربستان به دعوت منصور هادی علیه انصارالله^۲ می‌باشد.

۴- القاعده در شبه جزیره عربی: سازمان مجاهدان مسلمان که ابتدا در عربستان و یمن فعال بود و سپس با گروه‌های القاعده یمن و عربستان در ژانویه ۲۰۰۹ ادغام شده است.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Qureshi, op.cit., at 14;

زهرا سادات شارق و علیرضا محمدی مطلق، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در محاصره یمن در پرتو بین‌المللی شدن محاصره»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، (زمستان ۱۳۹۵)، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۱. توضیح در این خصوص آنکه نخستین محاصره مسلحانه غیر بین‌المللی در یمن، مربوط به درگیری میان طرفداران منصور هادی و حوثی‌ها می‌باشد. طی سال ۲۰۱۵ میلادی، حوثی‌ها موفق شدند کنترل شهر صنعا پایتخت یمن را در دست بگیرند. از سوی دیگر بر مبنای دعوت دولت منصور هادی، ائتلافی بین‌المللی به سرکردگی عربستان سعودی از مارس ۲۰۱۵ در حال مداخله در این کشور با هدف تضعیف قدرت حوثی‌ها است؛ محاصره‌ای که چه بسا بتوان ادعا نمود به دلیل تغییر ماهیت گروه انصارالله و مبدل شدن آن به یک نیروی دوفاکتو از حالت غیر بین‌المللی به بین‌المللی شده تبدیل شده است. دومین محاصره غیر بین‌المللی در یمن، مربوط به درگیری طرفداران منصور هادی با گروه مسلح غیردولتی القاعده در منطقه شبه‌جزیره عربی است. سومین محاصره غیر بین‌المللی میان گروه مسلح غیردولتی القاعده و انصارالله علیه یکدیگر در منطقه شبه جزیره عربی می‌باشد. چهارمین محاصره مسلحانه غیر بین‌المللی میان شورای انتقالی جنوبی و دولت منصور هادی از بدو تأسیس این شورا در سال ۲۰۱۷ تاکنون بوده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Marco Sassoli, "Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules", Iranian Journal of International and Comparative Law, Vol. 1, No. 1, at 3-4, (2023), doi: 10.22091/ijicl.2022.7647.1004.

۲. حسب تعریف ارائه شده در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و نیز پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ محاصرات مسلحانه غیر بین‌المللی محاصراتی هستند که بر خلاف محاصرات بین‌المللی میان دولت‌ها صورت نمی‌گیرند، بلکه چنین محاصراتی در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیردولتی مخالف و یا میان خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف رخ می‌دهند. گروه‌های مسلح غیر دولتی می‌بایست سازمان‌یافته باشند و ضمن برخورداری از وجود فرمانده مسئول، بر بخشی از قلمرو ارضی کنترل داشته باشند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: آرامش شهبازی و پویا برلیان، «مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در محاصره غیر بین‌المللی: تأملی در بحران یمن»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۴۲، (۱۳۹۷)، صص ۳-۴. همچنین مفهوم محاصره مسلحانه بین‌المللی شده در وضعیت‌های زیر قابل تحقق است:

حالت نخست مربوط به انتساب اعمال گروه مسلح غیردولتی به دولت خارجی می‌باشد. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ از این نظریه پشتیبانی کرد که اگر اعمال گروه مسلح غیردولتی به دولتی منتسب شود چنین محاصره مسلحانه‌ای بین‌المللی خواهد شد و گروه مزبور به‌عنوان عامل بالفعل دولت حامی تلقی خواهد شد. در

مطابق آنچه بیان گردید یکی از مواردی که امروزه موضوع گروه‌های مسلح غیردولت را تبدیل به مسئله‌ای مهم نموده است مربوط به درگیری‌های یمن و نقش گروه‌های مسلح غیردولتی در بحران این کشور است.^۱ با سپری شدن چندین سال از آغاز مداخله نظامی با محوریت عربستان، ادعای منصور هادی برای داشتن مشروعیت بیشتر تضعیف شده است، به‌ویژه وقتی ملاحظه می‌شود که معیار کنترل موثر بر قلمرو و جمعیت از اهمیت زیادی برخوردار است و منصور هادی، علی‌رغم عملیات نظامی فشرده، نتوانسته است اقتدار خود را اعاده نماید.^۲ به واقع بررسی شرایط چند سال اخیر یمن نشانگر آن است که وضعیت یمن شرایطی منحصر به فرد است، زیرا دولتی وجود دارد که به علت مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی به لحاظ اقتدار و حاکمیت دچار چندپارگی شده است. به علاوه قوه مجریه دولت ادعایی منصور هادی فاقد کنترل واقعی بر سرزمین، جمعیت و دولت است و مداخله

چنین حالتی در صورتیکه دولت سرزمینی مقر چنین گروه‌هایی دست به حمایت و پشتیبانی موثر از گروه‌های مذکور زده باشد و دولت آسیب دیده به ناچار اقدام به حمله نظامی علیه دولت حامی با استناد به دفاع مشروع بر مبنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد کند، مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مزبور از این مخاصمه به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده یاد می‌شود. حالت دوم شامل مواردی است که دولت خارجی وارد مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی شود. بدین ترتیب در مواردی که دولتی در حال مبارزه با گروه‌های غیردولتی داخل در سرزمین خود باشد چنانچه با مداخله نظامی دولت خارجی در حمایت از بازیگران غیردولتی مواجه شود، وضعیت مخاصمه از مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده تغییر ماهیت می‌دهد. حالت سوم مربوط به فرضی است که وضعیت حقوقی گروه مسلح غیردولتی در اثنای مخاصمه دستخوش تغییر ماهیت شود. به عبارت دیگر اگر طرفی که کنترل بخش عمده سرزمین محل مخاصمه را به عهده دارد تغییر ماهیت دهد و مثلاً تبدیل به دولت مورد شناسایی شود، وضعیت از مخاصمه غیر بین‌المللی به مخاصمه بین‌المللی شده تغییر می‌یابد.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

حسن صیادی و سید یاسر ضیایی، «ماهیت حقوقی مخاصمات مسلحانه فراملی: در حکم مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی»، ماهنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۴، (زمستان ۱۴۰۰)، صص ۱۱۰۴-۱۱۰۵.

۱. مصطفی فضائلی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره

۱، (بهار ۱۳۹۵)، ص ۲.

2. Paul R. Williams, et al., "A Legal Perspective on Yemen's Attempted Transition from a Unitary to a Federal System of Government", *Utrecht Journal of International and European Law*, Vol. 4, (2017), at 5-6, Available at: https://digitalcommons.wcl.american.edu/facsch_lawrev/613, Last Visited August 5, (2022).

نظامی خارجی صورت پذیرفته که ادعا می‌شود بر مبنای رضایت دولت است؛ مداخله‌ای علی‌الظاهر مبتنی بر رضایت اولیه‌ای که بر مبنای دلایلی می‌توان ادعا نمود حداقل در ادامه، مشروعیت و قانونمندی خود را از دست داده است و مبدل به مخاصمه‌ای از نوع بین‌المللی شده است.^۱

تدقیق در وقایع رخ داده در یمن طی چند سال گذشته نشان می‌دهد در همان آغاز درگیری‌ها اجتماع و هیأت سیاسی تشکیل دهنده دولت منصور هادی انتقالی دچار نقص گردید و قوه مجریه قادر به نمایندگی کل جمعیت خود نبود. در این راستا، گروه مسلح غیردولت انصارالله قادر شد تا میزان و حد مشخصی از ظرفیت و توانایی اداره کردن قلمرو تحت کنترل خود را از طریق ارائه ساختار سیاسی و سازمانی خود با عنوان دولت نجات ملی^۲ که مجهز به چارت سازمانی و وزارتخانه‌هایی است و همچنین نماینده بودن خود و ظرفیت و توانایی ایفا نمودن تعهدات داخلی و بین‌المللی و نیز هم‌گام بودن با برخی استانداردهای بین‌المللی را از رهگذر اعلام صریح رضایت خود مبنی بر پایبند بودن به تعداد قابل توجهی از اسناد بین‌المللی نشان دهد؛^۳ امری که می‌تواند بر مبنای نظریه اعلام

۱. به واقع بحثی که در این خصوص مطرح می‌باشد آن است آیا تحولاتی که به دنبال اقدامات ائتلاف با محوریت عربستان اتفاق افتاد و منجر به نقض‌های عدیده قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یمن گردید، تأثیری بر روی قانونی بودن رضایت اولیه منصور هادی به مداخله دارد؟ پاسخ آن است که اگرچه ابراز رضایت، عملی واحد است؛ اما رضایت می‌بایست در طول مدت مداخله معتبر باقی بماند. همچنین قلمرو و وسایل مداخله نیز می‌بایست در طول زمان و از منظر حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی واقع شوند. بنابراین ملاحظه می‌شود هنگامی که مداخله مبتنی بر رضایت طرفین، پس از گذشت مدت زمانی، قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و در بحث پیش‌رو در بخش حق در جنگ را نقض می‌کند و به نظام امنیت جمعی صدمه وارد می‌سازد، در راستای هر جزئی از دولت حتی اگر رضایت اولیه به مداخله، موجه و مشروع باشد در ادامه، چنین رضایتی به موجب حقوق بین‌الملل محکوم به بی‌اعتباری می‌گردد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Anthony H. Cordesman, "The War in Yemen: Hard Choices in a Hard War", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, Vol. 6, No. 4, (2017), at 79-80, <http://www.jstor.org/stable/resrep23274>, Last Visited August 5, (2022).

2. The National Salvation Government.

3. Darwich May, "The Saudi Intervention in Yemen: Struggling for Status", *International Journal of Politics, Culture, and Society*, Vol. 17, No. 2, (2018), at 90, <http://www.jstor.org/stable/26390311>, Last Visited August 5, (2022).

رضایت گروه مسلح غیردولت به ملتزم تلقی شدن به قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه توجیه شود.

بنابراین ملاحظه می شود در غیاب یک دولت کارآمد و منجسم، گروه مسلح غیردولتی انصارالله در عمل عهده دار کارکردهای حاکمیتی گردیده و عملکردی دولت گونه داشته است. حمایت جمعیت محلی از جنبش انصارالله نیز حاکی از کارکرد مثبت این گروه در کسب مشروعیت به عنوان یک قدرت عمومی است.^۱ از طرف دیگر، شورای انتقالی جنوبی نیز در جنوب یمن توانسته است با اتکا بر سازمان یافتگی و نیز تعریف بخش های دولت گونه برای خود بر بخش های مهمی از این قسمت تسلط پیدا کند و عناصر حاکمیتی را به صورت دو فاکتو اعمال نماید.^۲

حسب آنچه بیان شد، می توان ادعا نمود جنبش انصارالله در شمال یمن و شورای انتقالی جنوبی در جنوب یمن به سبب حصول ویژگی هایی نظیر سازمان دهی و داشتن کنترل واقعی در بخش هایی از سرزمین یمن در شرایط مخاصمات مسلحانه غیربین المللی متعدد موفق به ایفا نمودن عملکردهای حاکمیتی شده اند و این امر باعث شده است گروه های مذکور از شخصیت حقوقی بین المللی نسبتاً جامعی برخوردار گردند؛^۳ امری که باعث می گردد بتوان مبنای پایبندی آنها به قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را به موجب نظریه اعمال کارکردهای حاکمیتی توسط گروه مسلح غیر دولت به صورت دو فاکتو توجیه نمود. همچنین با توجه به وجود مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی میان هر یک از گروه های مذکور با یکدیگر و نیز علیه نیروهای وابسته به رییس جمهور ادعایی یمن، منصور هادی، می توان از نظریه اصل برابری متخاصمان نیز به عنوان مبنای پایبندی به قواعد حوزه حقوق جنگ^۴ نام برد.

1. Ibid. at 91.

2. Center for Preventive Action, "War in Yemen", On Line Article, (2023), Available at: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/war-yemen>, last visited July 31, (2023).

3. Sassoli, "Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules", (2023), at 5.

4. Jus in Bello.

از سوی دیگر می‌توان عملکرد گروه انصارالله در مقابل ائتلاف نظامی خارجی با محوریت عربستان را در قالب ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز بررسی نمود که مطابق آن، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص در بحث پیش‌رو رفتار جنبش انصارالله که در غیاب یا در صورت قصور و کوتاهی مقامات رسمی اقدام به اعمال برخی عناصر حاکمیتی می‌نماید، به موجب حقوق بین‌الملل رفتار دولت تلقی می‌گردد.^۱ ملاحظه می‌شود که حوزه و سیطره این مقررۀ دقیقاً دربرگیرنده پاسخ به شرایط قیام همگانی در مواجهه با شرایط استثنایی نظیر انقلاب‌ها از جمله خیزش سراسری در یمن است؛ شرایطی که در آن مقامات با کارکردهای سابقاً منظم منحل، متلاشی و سرکوب می‌شوند یا برای مقطع زمانی از کار می‌افتند.^۲ در این راستا و برای آنکه حسب ماده ۹، رفتار مذکور رفتار دولت قلمداد شود، اولاً رفتار می‌بایست مرتبط با اعمال نمودن اقتدارات دولتی باشد، ثانیاً رفتار می‌بایست در غیاب یا در صورت قصور و کوتاهی مقامات دولتی انجام گردد، ثالثاً شرایط می‌بایست استثنایی باشد. شرط نخست عمدتاً بر اساس طبیعت عمل و نه ارتباط رسمی با دولت تعیین می‌گردد. شرط دوم پوشش دهنده و شامل قصور و ناتوانی دولت در هر دو سطح کلی یا جزئی است. همچنین شرط سوم به اصل ضرورت اشاره می‌کند که می‌تواند در معنای توجیه اقتدارات دولتی توسط گروه‌های مسلح غیردولت به کار رود.^۳

به واقع ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، منجر به حذف میان رفتار دولت و گروه مسلح غیردولتی می‌شود و چنین استدلال می‌کند که در شرایط اضطراری، این امکان وجود دارد که مقامات دولتی نه لزوماً با یک مقام دولتی جدید بلکه با گروه مسلح غیردولتی که به صورت دوفاکتو در حال اقدام به نام دولت است، جایگزین شوند؛^۴ گروه مسلح غیردولتی که رفتار آن در پرتو اثبات ملتزم تلقی شدن آن به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه قواعد ثانویه قابل رصد و بررسی است.

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، صص ۷۵-۷۴.

2. Darrell A. H. Miller, "Self -Defense, Defense of Others, and the State", Law and Contemporary Problems, Vol. 80, No. 2, (2021), at 90, JSTOR, <http://www.jstor.org/stable/45019998>, Last Visited August 5, (2022).

۳. کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ص ۶۰.

4. Miller, op.cit., at 91.

نتیجه‌گیری

تدقیق و تبیین در نظریه‌های راجع به چرایی و چگونگی پایبند تلقی شدن گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در فضای در حال رشد مخاصمات مسلحانه یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که در چند دهه اخیر پیش روی جامعه بین‌المللی واقع شده است. از میان نظریه‌های گوناگون مطروحه در این زمینه بنظر می‌رسد مبنای استدلالی نظریه پایبندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی از بن‌مایه واقع‌گرایانه‌تری نسبت به سایر نظریه‌ها برخوردار باشد، چراکه در این نظریه عنصر سازمان‌یافتگی گروه مسلح غیردولتی و کنترل بر قلمرو از اهمیت فراوانی برخوردار است و در عین حال می‌تواند تحت شرایطی منشا اثر از حیث مسئولیت بین‌المللی نیز واقع شود. واقعیت آن است که پیشرفت و ارتقای شفافیت هر چه بیشتر قواعد، راجع به یک تابع فعال حقوق بین‌الملل ممکن است دربرگیرنده سطوح بالاتری از احترام به قواعد باشد.

با تدقیق در قواعد هنجاری روشن می‌شود که گروه‌های مسلح غیردولتی به مثابه موجودیت‌های ناشناخته‌ای در عرصه حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌شوند، بلکه برعکس مسائل حقوقی مربوط به این موجودیت‌ها به دلیل تنوع گسترده و اهمیت آنها به سبب نقش آفرینی‌های وسیع در عرصه جامعه بین‌الملل در ابعاد و حوزه‌های گوناگون، ولو به صورت محدود در حال قاعده‌مندسازی شدن هستند. از سوی دیگر واقعیت از منظر نظامی و بشردوستانه مؤید این یافته است که گروه‌های مسلح غیردولت می‌بایست به‌عنوان اجرا کنندگان مجموعه‌ای از قواعد حقوقی تلقی شوند که در عین حال این قواعد متعلق به خود آنان نیز هست و نه حقوقی صرفاً ساخته و پرداخته و منبعث از رویه دولت‌ها. اتخاذ چنین رویکردی سبب می‌شود بتوان بر مبنای بررسی مورد به مورد و با لحاظ معیارهای مطروحه در نظریه‌های مربوط به لزوم پایبندی گروه‌های مسلح غیردولت به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از مسئولیت بین‌المللی گروه مذکور سخن به میان آورد.

در این راستا اشاره به این نکته ضروری است حقوق بین‌الملل به شدت توسعه‌نیافته است و در عین حال از ماهیت پویا و منعطفی برخوردار است. به همین سبب عمده تمرکز

در این نوشتار بر ارائه نظریاتی روشن گرایانه از حقوق بین‌الملل بوده است. در همین راستا تنویر دیدگاه‌های راجع به لزوم رعایت قواعد بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی و اثر آن در قلمرو قواعد ثانویه بخش مهمی از فرآیند درک و فهم نظری حقوقی بین‌المللی را ایفا می‌سازد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Seyed Ghasem Zamani  <https://orcid.org/0000-0002-4461-4616>

Maryam Hossein Abadi  <https://orcid.org/0000-0002-3203-8287>

منابع

الف - فارسی

کتاب‌ها

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه* (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲).
- کمیسیون حقوق بین‌الملل، *مسئولیت بین‌المللی دولت*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، چاپ یازدهم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸).
- ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمه مسلحانه داخلی*، چاپ دوم (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳).
- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک لوئیس، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه دفتر ترجمه امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷).

مقاله‌ها

- توکلی طبسی، علی و منصوری، فرنگیس، «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۲، شماره ۵۲، (بهار- تابستان ۱۳۹۴).
- حسینی آزاد، سید علی، «مسئولیت گروه‌های نظامی غیردولتی در قبال نقض حقوق بشر در پرتو بیانیه مشترک مخبران مستقل حقوق بشر ملل متحد»، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (۱۴۰۰)، Available at: <<http://unstudies.ir>>, last visited September 2022.
- خلف رضایی، حسین، «گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۶، شماره ۶۱، (۱۳۹۸).
- شارق، زهراسادات و محمدی مطلق، علیرضا، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، (۱۳۹۵).
- شهبازی، آرامش و پویا برلیان، «مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه غیربین‌المللی: تأملی در بحران یمن»، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۴۲، (۱۳۹۷).
- فضایی، مصطفی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، (۱۳۹۵).
- کرم زاده، سیامک و بهرام مرادیان، «بررسی مبانی رعایت قواعد بشردوستانه توسط گروه‌های غیردولتی، از منظر اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ مطالعه موردی وضعیت عراق و سوریه»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره سوم، (۱۳۹۵).
- منصوری، فرنگیس، «بررسی مبانی حقوقی و نظری تعهدات گروه‌های مسلح معارض در مخاصمات داخلی»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۰، (۱۳۹۷).

References

Books

- Annyssa, Bellal, *Establishing the Direct Responsibility of Non-State Armed Groups for Violations of International Norms: Issues of Attribution*, In *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place* (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015).
- Bílková, Veronika, *Establishing Direct Responsibility of Armed Opposition Groups for Violations of International Humanitarian Law?*, In *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place* (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015).
- Lauterpacht, Hersch, *The Subjects of International Law*, in E. Lauterpacht (ed.), *International Law, Being the Collected Papers of Hersch Lauterpacht*, Volume I: The General Works (Cambridge: Cambridge University Press, 2009).
- Meron, Theodor, *The humanization of international law, Hague Academy of International Law Monographs* (Cambridge, Cambridge University Press, 2008).
- Moir, L., *The Law of Internal Armed Conflict*, Cambridge Studies in International and Comparative Law (Cambridge: Cambridge University Press, 2002).
- Noemi, Gal-Or, et al., *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, chapter 14 (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015).
- Sivakumaran, Sandesh, *The Law of Non-International Armed Conflict* (London: Oxford University Press, 2012), Available at:

<[https:// www. corteidh.or.cr/tablas/31035.pdf](https://www.corteidh.or.cr/tablas/31035.pdf)>, Last visited July 10, 2022.

Articles

- Ana Dols García, “Armed Groups, IHL and the Invisible World: How Spiritual Beliefs Shape Warfare”, *International Review of the Red Cross*, Vol. 102, No. 915, (2020).
- Ago, R., “Fourth Report on State Responsibility”, *Yearbook of the International Law Commission*, Vol. II, 131-132, (1972).
- Ahlborn, Christiane, “The Rules of International Organizations and the Law of International Responsibility”, *Amsterdam Center for International Law, University of Amsterdam, SHARES Research Paper 02, ACIL 2011-03*, (2011), Available at: www.sharesproject.nl, Last visited March 25, (2022).
- Bangerter, Olivier, “Reasons Why Armed Groups Choose to Respect International Humanitarian Law or Not”, *International Review of Red Cross*, Vol. 93, No. 882, (2011).
- Cassese, A., “The Status of Rebels under the 1977 Geneva Protocols on Non-International Armed Conflicts”, 30th, *International and Comparative Law Quarterly*, (1981).
- Clapham, Andrew, “The Rights and Responsibilities of Armed Non-State Actors: The Legal Landscape & Issues Surrounding Engagement”, *Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights*, (2010), Available at SSRN: [https:// ssrn.com/ abstract=1569636](https://ssrn.com/abstract=1569636), Last Visited July 20, (2022).

- Cordesman, Anthony H, “The War in Yemen: Hard Choices in a Hard War”, Center for Strategic and International Studies (CSIS), Vol. 6, No. 4, (2017).
- Cunningham, David E. et al., “Non-State Actors in Civil Wars: A New Dataset”, Conflict Management and Peace Science 30, No. 5, (2013).
- D'Amato, Anthony, “A Few Steps Toward an Explanatory Theory of International Law”, 7 Santa Clara Journal of International Law 1, Northwestern University School of Law Public Law and Legal Theory Research Paper Series, No. 10 –58, (2010).
- D'Aspremont, Jean, “Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents”, The International and Comparative Law Quarterly, Vol. 58, No. 2, (2009).
- Heffes, E., “The Establishment of Courts by Organized Non-State Armed Groups in Light of the Principle of Equality of Belligerents”, 18th Yearbook of International Humanitarian Law, (2015).
- Hyeran, Jo, “Compliant Rebels, Rebel Groups and International Law in World Politics”, International Review of the Red Cross, No. 98. (2016).
- Kleffner, Jann K., “The Applicability of International Humanitarian Law to Organized Armed Groups”, International Review of the Red Cross, Vol. 93, No. 882, (2011).
- May, Darwich, “The Saudi Intervention in Yemen: Struggling for Status”, International Journal of Politics, Culture, and Society, Vol. 17, No. 2, (2018).

- Miller, Darrell A. H., “Self -Defense, Defense of Others, and the State”, *Law and Contemporary Problems*, Vol. 80, No. 2, (2021).
- Murray, Daragh, “Human Rights Obligations of Armed Non-State Actors: An Exploration of the Practice of the UN Human Rights Council”, *Academy in-Brief*, No. 7, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, (2016).
- Murray, Daragh “How International Humanitarian Law Treaties Bind Non-State Armed Groups”, *Journal of Conflict & Security Law*, Vol. 20, No. 1, (2015).
- O’sullivan, Dominic, “Sovereignty”, “We Are All Here to Stay”, *Citizenship, Sovereignty and the UN Declaration on the Rights of Indigenous Peoples*, 1st ed., Jstor, ANU Press, (2020).
- Pictet, J, “Commentary on the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea”, ICRC, (1960), Available at: <[https:// www. academia. edu/ 80444563/ The_ International_ Responsibility_ of_ Non_ State_ Armed_ Groups](https://www.academia.edu/80444563/The_International_Responsibility_of_Non_State_Armed_Groups)>, Last visited March 1, (2022).
- Qureshi, Waseem Ahmad, “Applicability of International Humanitarian Law to Non-State Actors”, *17 Santa Clara J. Int’l L.* 1, (2019).
- Sandoz, Y., Swinarski, C., & Zimmermann, B., “Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949”, International Committee of the Red Cross, (2020), Available at:< <https://www.icrc.org/en/publication/0421-commentary-additional-protocols-8-june-1977-geneva-conventions-12-august-1949>.

- Sassoli, Marco, “Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules”, Iranian Journal of International and Comparative Law, No. 1, Vol. 1, (2023).
- Sassòli, Marco, “Taking Armed Groups Seriously: Ways to Improve their Compliance with International Humanitarian Law”, Journal of International Humanitarian Legal Studies, No. 1, Vol. 1, (2010).
- Somer, Jonathan, “Jungle Justice: Passing Sentence on the Equality of Belligerents in Non-international Armed Conflict, Selected Article on International Humanitarian Law”, Vol. 89, (2007).
- Williams, Paul R. et al., “A Legal Perspective on Yemen's Attempted Transition from a Unitary to a Federal System of Government”, Utrecht Journal of International and European Law, volume 4, (2017).
- Zegveld, L., “Accountability of Armed Opposition Groups in International Law”, Cambridge Studies in International and Comparative Law, Cambridge University Press, (2002).

Documents

- Geneva Call, “Deed of Commitment for the Protection of Children from the Effects of Armed Conflict”, Art. 8, (2010), Available at: <https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/DoC-Protecting-children-in-armed-conflict.pdf>, Last visited July 23, 2022; and Geneva Call, “Deed of Commitment for the Prohibition of Sexual Violence in Situations of Armed Conflict and Towards the Elimination of Gender Discrimination”, Art. 7,

(2012), Available at: <[https:// www. genevacall. org/ wpcontent/ uploads/ dlm_ uploads/ 2013/12/ DoC-Prohibiting- sexual- violence- and-genderdiscrimination. pdf](https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/DoC-Prohibiting-sexual-violence-and-genderdiscrimination.pdf)>, Last visited March 10, 2022.

- Geneva Call, “Engaging Armed Non-State Actors in a Landmine Ban”, The Geneva Call Progress Report 2000-2007, Available at: <[https:// www. genevacall. org/wp-content/ uploads/ dlm_ uploads/ 2013/12/ raport.pdf](https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/raport.pdf)>, Last visited March 20, (2022).
- Geneva Call, “DR Congo: Child Soldiers Leave Armed Groups Following Geneva Call’s Awareness-Raising Efforts”, (2017), para. 18-19, Available at: <<https://genevacall.org/dr-congo-child-soldiersleave-armed-actors-following-Geneva-calls-awareness-raising-efforts/>>, Last Visited March 25, (2022).
- ICRC, “Commentary on Common Article 3 of the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field”, (2016), Available at: <[https:// www. icrc. org/ applic/ ihl/ ihl. nsf/ Comment.xsp? action= open Document & documentId= 59F6 CDF A 490736 C1C1257F7D004 BA0EC#863_B](https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#863_B)>, Last visited July 20, (2022).
- ICRC new commentary on CA3, (2009), available at: <[https://ihl databases. icrc. org/ applic/ ihl/ ihl. nsf/ Comment. xsp? action= open Document & documentId= 59F6 CDF A 490736 C1C1257 F7D004BA0EC#_Toc465169878](https://ihl.databases.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#_Toc465169878)>, Last Visited 21 December (2021).
- ICRC, “Improving Compliance with International Humanitarian Law: ICRC Experts Seminars”, (2003), Available at [https:// www. icrc. org/ eng/ assets/ files/ other/ improving_ compliance_ with_ international_ report_ eng_2003.pdf](https://www.icrc.org/eng/assets/files/other/improving_compliance_with_international_report_eng_2003.pdf), Last visited march 17, (2022).

- ICRC, “Relations with armed Forces, A Collection of Codes of Conducts Issued by Armed Groups”, (2010), Available at: < <https://www.icrc.org/en/doc/what-we-do/building-respect-ihl/dialogue-weapon-bearers/armed-forces/overview-armed-forces.htm>>, Last visited March 10, (2022).
- Mouvement de Libération du Congo, “Statuts du Mouvement de Libération du Congo; Statute of the Liberation Movement of Congo”, Art. 11-16, (1990), Available at:< http://theirwords.org/media/transfer/doc/cd_mlc_1999_09-.pdf>, Last Visited June 10, (2022).
- Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations secretary General, (2005), Available at: <<https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/report-of-the-international-commission-of-inquiry-on-darfur-to-the-united-nations-secretary-general/>>, Last visited March 8, (2022).
- Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, “Human Rights Questions: Human Rights Situations and Reports of Special Rapporteurs and Representatives. Situation of Human Rights in the Sudan”, UN Doc. A/50/569/16, (1995).
- SPLM/A, (1998), “Penal and Disciplinary Laws”, Section 29, First Report on SPLM/A Practice, Chapter One, Available at:< https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v2_chapter1_rule1_sectionb>, Last visited June 10, 2022.
- UK Ministry of Defense, “The Joint Service Manual of the Law of Armed Conflict”, fn 94, (2004), Available at:< https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/27874/JSP3832004Edition.pdf>, Last visited July 10, 2022.

- UN Security Council, Security Council Resolution 2216, [on cessation of violence in Yemen and the reinforcement of sanctions imposed by resolution 2104 (2014)], S/RES/2216, (2015), Available at: <https://www.refworld.org/docid/553deebc4.html>, Last visited July 15, (2022).

In Persian

Books

- International Law Commission, *International Responsibility of the States*, Translated by Alireza Ebrahim Gol, 11th Edition (Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research, 2018). [In Persian]
- Henkertz, Jean-Marie & Doswaldbek Louis, *International Customary Humanitarian Law*, Translated by International Affairs Translation Office of the Judiciary and the International Committee of the Red Cross (Tehran: Majd Publications, 2007). [In Persian]
- Momtaz, Jamshid & Amirhossein, Ranjbarian, *International Humanitarian Law: Non International Armed Conflicts*, Second Edition (Tehran: Mizan Publications, 2013). [In Persian]
- Ziai Bigdeli, Mohammad Reza, *International Humanitarian Law* (Tehran: Ganj Danesh Publications, 2012). [In Persian]
- Ziai Bigdeli, Mohammad Reza, *Laws of War* (Tehran: Allameh Tabatabai University Publications, 2013). [In Persian]

Articles

- Fazaeli, Mustafa, “Military Intervention in Yemen from the Perspective of International Law”, Public Law Studies Quarterly, Vol. 46, No.1, (2016). [In Persian]
- Hosseini Azad, Seyed Ali, “Responsibility of Non-governmental Military Groups for Human Rights Violations in the Light of the Joint Statement of the United Nations Independent Human Rights Informants”, Iranian Association's International Legal and Political Forum United Nations Studies, (1400), Available at: <<http://unstudied.ir>>, Last Visited September, (2022). [In Persian]
- Karamzadeh, Siamak & Moradian, Bahram, “Investigation of the Principles of Compliance with Humanitarian Rules by Non-state Groups, From the Perspective of Islam and International Humanitarian Law; A Case Study of the Situation in Iraq and Syria”, Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Law, Third Year, No. 3, (2015). [In Persian]
- Khalaf Rezaei, Hossein, “Transnational Armed Groups and Implementation of International Humanitarian Law”, International Legal Journal, Vol. 36, No. 61, (2016). [In Persian]
- Mansouri, Farangis, “Investigation of the Legal and Theoretical Foundations of the Commitments of Opposing Armed Groups in Internal Conflicts”, Iranian and International Comparative Legal Research Journal, 11th Year, No. 40, (2017). [In Persian]

- Tavakolietabasi, Ali & Mansouri, Farengis, “Commitment and Commitment of the belligerents to the rules of humanitarian law in the internal conflict in Syria”, International Legal Journal, Vol. 32, No. 52, (Spring-Summer 2014). [In Persian]

استناد به این مقاله: زمانی، سید قاسم و حسین آبادی، مریم، «نظریه‌های لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی در پرتو مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی یمن»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۶، شماره ۸۴ (۱۴۰۳)، ۱-۴۴

Doi: 10.22054/QJPL.2024.70597.2830



The Quarterly Journal of Public Law Research is Licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License